

می‌کند، از جمله، درزنجان / درزنگان، محلی در دو فرسخی مداین و برکنارهٔ دجله (← ابن‌اثیر، ج ۳، ص ۳۷۳)؛ روستای زنجان در شهرستان ماکو کنار رود ارس (← رزم‌آرا، ج ۴، ص ۲۴۹)؛ و روستای زنجان‌بَر در کاشان (← همان، ج ۳، ص ۱۴۳). علاوه بر اینها، نامهای رودهای بسیاری (از جمله زاینده‌رود، سفیدرود، رود شور و تلخه‌رود) در ایران برگرفته از ویژگی آب یا خاک بستر رودخانه است.

به گفتهٔ حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب* (همانجا)، زنجان را اردشیر بابکان (حک: ۲۲۶-۲۴۱ م) بنا نهاد و آن را شهین / شاهین نامید، اما این نظر درست نمی‌نماید، چون این خبر در هیچ‌یک از منابع پیش از او ذکر نشده است. با وجود این، احتمال دارد شهین صرفاً نام یکی از قلاع متعددی باشد که اردشیر در حوالی این شهر ساخته بوده است (← طبری، ج ۹، ص ۱۱؛ مسکویه، ج ۴، ص ۱۷۹). تصریح شبانکاره‌ای (ج ۲، ص ۲۷۲) بر وجود قلعه‌ای قدیمی با نام سنقرقلعه (سنقر به معنای شاهین)، در شرق زنجان و در حدود سلطانیه، این فرض را تقویت می‌کند؛ زیرا با تغییر واژگان فارسی به ترکی در دورهٔ ایلخانان (حک: ۶۵۴-۷۵۰)، نام قلعهٔ شهین / شاهین نیز به سنقرقلعه تغییر یافته است. از اواخر دورهٔ ایلخانی، شهر زنجان تا حدود دو سده بعد، زنجان‌رود نامیده می‌شد (← حافظ ابرو، ج ۳، ص ۴۱، ج ۴، ص ۷۲۸؛ معین‌الدین نطنزی، ص ۱۱۶؛ عبدالرزاق سمرقندی، ج ۲، دفتر ۱، ص ۲۱).

با وجود محوطه‌ها و آثار باستانی در اطراف شهر زنجان، که سابقهٔ برخی از آنها به پیش از تاریخ می‌رسد (← پاروکی طرودی و شادمهر، ص ۱۹۹)، اطلاع چندانی از وضع این شهر در دورهٔ پیش از اسلام در دست نیست. البته می‌دانیم که زنجان در دورهٔ انوشیروان (حک: ۵۳۱-۵۷۹ م) در منطقهٔ ماد / ماه در کوستِ خوربَران در مغرب ایران قرار داشت (← ثعالبی، ص ۶۰۹).

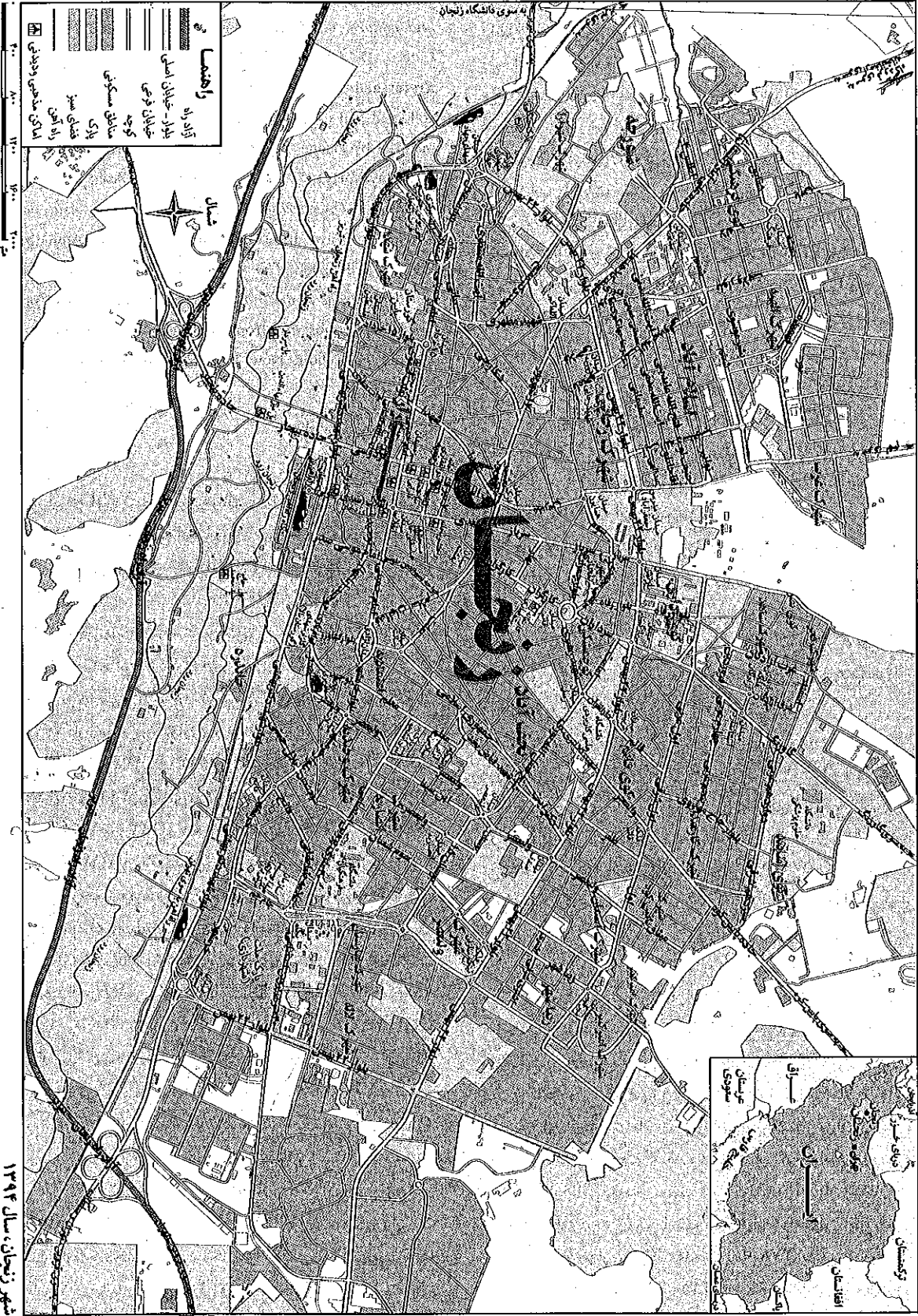
مسلمانان در سال ۲۴، زنجان، را به چنگ گشودند (بلاذری، ص ۴۵۰؛ قدامه بن جعفر، ص ۳۷۷؛ یاقوت حَمَوی، ذیل ماده). به نظر می‌رسد مقاومت اهالی زنجان، برخلاف شهرهای اطراف آن، به سبب حصار محکم شهر بوده است. مفتوح‌العنونه بودن (به معنای گشوده شده به قهر و زور) زنجان نیز احتمالاً تبعاتی سخت برای آنجا داشته است؛ زیرا افزون بر کشتار مدافعان شهر، زمینهای آنجا نیز خالصه^{۳۰} محسوب می‌شد. اگرچه اطلاع روشنی از تبعات این امر در دست نیست، ذکر نشدن اخبار زنجان در منابع سده‌های بعد ممکن است حاکی از کم‌اهمیتی این شهر باشد. در قرن چهارم، اشارهٔ مقدسی (ص ۳۷۸) به ویرانی زنجان و نیز گزارش اصطخری (ص ۲۱۱) از عقب ماندگی زنجان، در

Encyclopedia of the African diaspora: origins, experiences, and culture, ed. Carole Boyce Davies, Santa Barbara, Calif.: ABC-CLIO, 2008, s.v. "Zanj" (by Jesse Benjamin); *Eratosthenes, Eratosthenes' geography fragments collected and translated, with commentary and additional material* by Duane W. Roller, Princeton 2010; Shihan de Silva Jayasuriya, "Identifying Africans in Asia: what's in a name", in *Uncovering the history of Africans in Asia*, ed. Shihan de Silva Jayasuriya and Jean-Pierre Angenot, Leiden: Brill, 2008; *The Periplus of the Erythraean Sea: travel, and trade in the Indian Ocean by a merchant of the first century*, translated from the Greek and annotated by Wilfred H. Schoff, New York: Longmans, Green, and Co., 1912.

الهام امینی کاشانی /

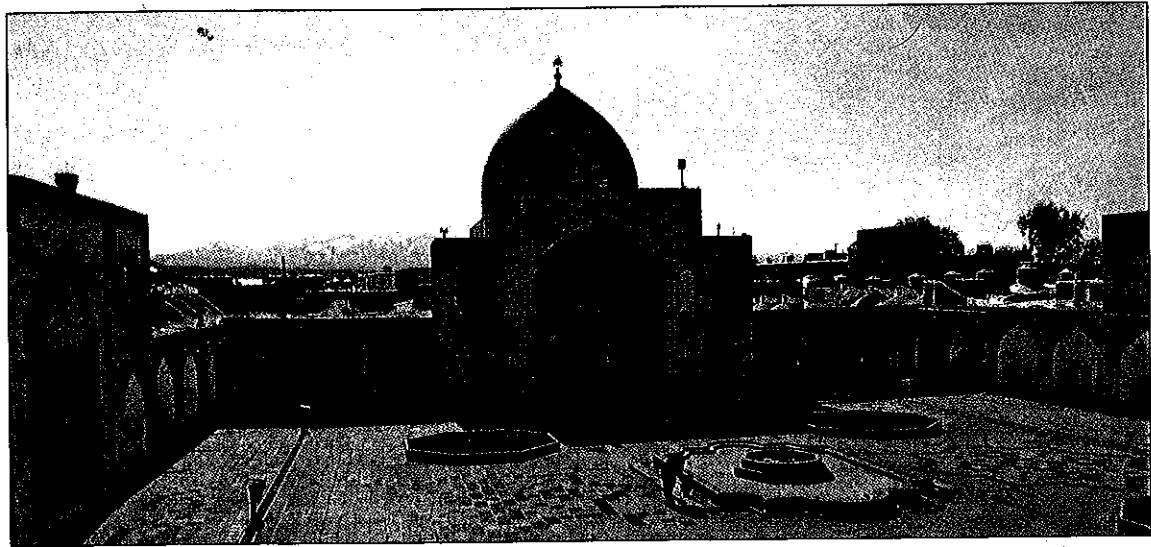
زنجان، شهر، شهرستان و استانی در شمال ایران. شهر زنجان، مرکز این استان، در حدود سیصد کیلومتری شمال غربی تهران و در مسیر آزادراه و خط آهن تهران - تبریز واقع است.

واژه زنجان، که در منابع عربی به صورت زنگان هم ضبط شده (← ابن‌خردادبه، ص ۲۲۶؛ طبری، ج ۹، ص ۵۱۴؛ ابن‌اثیر، ج ۸، ص ۳۸۹، ج ۱۲، ص ۲۳۸)، معرب کلمهٔ زنگان است که کاربرد آن در شماری از منابع فارسی تا دورهٔ قاجار (حک: ۱۲۱۰-۱۳۴۴ ش) متداول بوده است (← گردیزی، ص ۳۲۴؛ راوندی، ص ۳۰، ۱۰۴؛ قمی، ص ۹۸، ۱۳۷؛ افضل‌الملک، ص ۱۲۳). ظاهراً نخستین بار در فرهنگ *آنتنراج* (تألیف ۱۳۰۶)، اثر محمدپادشاه بن غلام محیی‌الدین شاد (ذیل ماده)، به وجه تسمیهٔ زنجان اشاره و نام زنجان برگرفته از واژهٔ زندیگان، به معنای اهل کتاب زند، دانسته شده است. پس از آن، در منابع، و جوه تسمیهٔ دیگری نیز برای زنجان ذکر شده است (← عبدالله مهندس، ص ۵۷؛ سلطانی، ص ۳۸-۴۲؛ محسن اردبیلی، ص ۱۴۶، ۱۵۱-۱۵۴؛ حسینی‌علی، ص ۱۳-۱۴)، که همانند نظر محمدپادشاه درست نمی‌نماید. به نظر می‌رسد نام این شهر برگرفته از نام زنجان‌رود / زنگانه‌رود باشد که شهر نیز بر کرانه‌های آن ایجاد شده است (← رستم‌الحکما، ج ۱، ص ۱۲). از جمله معانی واژهٔ زنگ، آب زلال و صاف است (← دهخدا، ذیل «زنگ») و نام سفیدرود، که زنجان‌رود به آن می‌ریزد (← حمدالله مستوفی، *نزهة القلوب*، ص ۶۱)، نیز بر همین زلالی آب دلالت دارد. همچنین وجود مکانهای دیگری با نامهایی شبیه زنجان، که همانند آن در کنارهٔ رود واقع‌اند، این نظر را تقویت



شهر زنجان، سال ۱۳۹۴

کتابخانه (به سطرهای پهنه و نوار) سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



مسجد جامع زنجان، تاریخ عکس آبان ۱۳۹۰

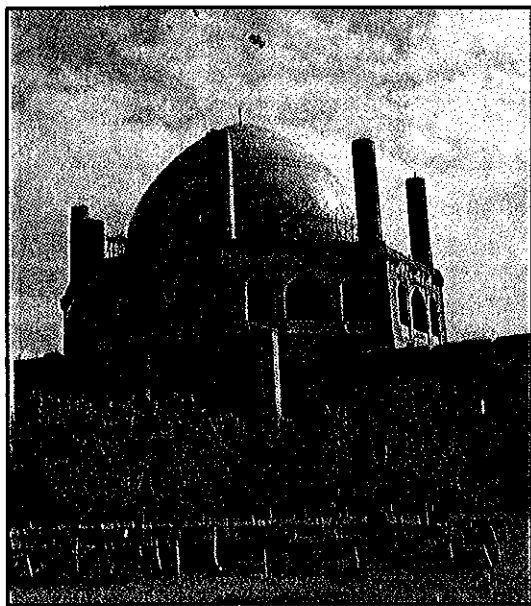
عباسیان مزیتی برای زنجان به‌شمار نمی‌رفت، بلکه به‌سبب قرارگرفتن در محل التقای کاروانهای مسیرهای مختلف، کمینگاه دسته‌های راهزن و بنابراین ناامن شده بود. این عامل و نیز سختگیریهای مأموران حکومتی، که در اخذ مالیات به حوادث و بلایای طبیعی و در نتیجه کاهش محصولات کشاورزان توجهی نداشتند، اهالی زنجان را واداشت که در دوره خلافت هارون‌الرشید (۱۷۰-۱۹۳)، مزارع و باغهای خود را تحت حمایت فرمانروای آن مناطق، قاسم‌بن هارون‌الرشید، قرار دهند تا از شر راهزنان و تعدی مأموران مالیاتی رهایی یابند. از این‌رو، تا سده‌های بعد، زمینهای آنجا همچنان جزو خالصه بود (بلاذری، ص ۴۵۲؛ قدامه‌بن جعفر، ص ۳۷۷). به‌نظر می‌رسد کاهش استقلال مالی اهالی آنجا، در پی این وضع، به همراه شهرت زنجان به بیماری خیزی (بیهقی، ص ۳۱؛ در دوره قاجار نیز زنجان کانون بیماری جذام در ایران بود - پولاک^۱، ج ۲، ص ۳۰۵) موانعی دیگر برای رشد و آبادی آنجا در سده‌های پیش از هجوم مغولان بوده‌است.

از میان مذاهب فقهی، مذهب شافعی در زنجان رواج یافت که تا دوره مغولان مذهب غالب اهالی آنجا بود (حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، ص ۶۲؛ برای آگاهی از علما و فقهایی شافعی زنجان - سلطانی، ص ۶۳-۶۸؛ ادامه مقاله). مذهب تشیع نیز به‌تدریج پیروانی در آنجا یافته بود؛ چنان‌که در زمان حکومت اولجایتو (۷۰۳-۷۱۶)، یکی از علمای سادات از اهالی

مقایسه با نواحی اطرافش، از جمله ابهر و قزوین، که به‌صلح فتح شده بودند (بلاذری، ص ۴۴۹؛ قدامه‌بن جعفر، ص ۳۷۶-۳۷۷)، شاید نتیجه چنین سرگذشتی باشد. صرف‌نظر از این امر، در آغاز دوره اسلامی، ولایت زنجان به‌همراه قزوین، از توابع ری به‌شمار می‌رفت (مقدسی، ص ۲۷، ۵۱) و دوری زنجان از مرکز ایالت (شهرری) نیز احتمالاً عاملی دیگر در کاهش اهمیت و در نتیجه انعکاس نیافتن وقایع آن در منابع بوده‌است.

پس از انضمام زنجان به ری، مالیات زنجان به‌همراه مالیات ابهر و قزوین وصول می‌شد. بنابر گزارش ابن‌خردادبه، در قرن سوم (ص ۵۷، ۲۵۰)، مالیات قزوین ۱۲۰۰'۰۰۰ درهم و مالیات ابهر و زنجان ۶۲۸'۰۰۰ درهم بوده‌است. از مقایسه مقدار مالیات این دو شهر، می‌توان به کم‌روفتی زنجان در سده‌های نخست اسلام پی‌برد.

شهر زنجان، که در ادوار مختلف جزو ایالت جبال، آذربایجان و نیز دیلمان به‌شمار می‌رفت (ابن‌رسته، ص ۱۰۶، ۲۷۱؛ اصطخری، ص ۱۹۵؛ اسکندرمنشی، ج ۲، ص ۶۶۲؛ شیروانی، ص ۳۰۳)، در ملتقای راههای اصلی شمال‌غربی کشور، یعنی راه اردبیل و تبریز به همدان و ری و نیز راه دینور - ری، واقع بود (ابن‌خردادبه، ص ۱۱۹، ۲۲۶؛ ابن‌رسته، ص ۲۷۱؛ حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، ص ۱۸۰؛ شیروانی، ص ۶۵۶-۶۵۷). این موقعیت جغرافیایی زنجان اهمیتی راهبردی برای آن به‌همراه داشت، اما این ویژگی نه تنها در دوره



گنبد سلطانی، تاریخ عکس آبان ۱۳۹۰

زنجان (ع حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، ص ۵۵-۵۶)، به سبب همین امتیاز منطقه بود. از این رو به نظر می‌رسد طوایف بزرگ‌تر ترک، پس از سکونت ایلخانان در سلطانیه، به شهر و ولایت زنجان آمده باشند.

در ۶۱۷، هنگام تعقیب بخشی از لشکریان متفرق سلطان محمد خوارزمشاه، مغولان به غارت و کشتار در زنجان نیز دست زدند (بناکتی، ص ۳۶۸؛ حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، ص ۶۲؛ خواندمیر، ج ۳، ص ۳۲-۳۳؛ قس ابن اثیر، ج ۱۲، ص ۳۷۴، که از تن دادن اهالی زنجان به صلح با مهاجمان سخن گفته است). البته انتخاب سلطانیه به پایتختی ایلخانان در دوره اولجایتو، احتمالاً رونقی نیز برای آنجا فراهم آورد (ع سلطانیه*). در گزارش حمدالله مستوفی (نزهة القلوب، همانجا)، مالیات شهر زنجان دوازده هزار دینار و مالیات مجموع حدود صد پارچه آبادی تابع آن هشت هزار دینار ذکر شده، که به گونه‌ای نشان‌دهنده رونق نسبی شهر، به‌ویژه در مقایسه با روستاهای آنجاست. همچنین وصف کلاویخو^۱ از زنجان در ۱۴۰۳/۸۰۵، که بعد از حمله تیمور گورکان به آن حدود از آنجا گذر کرده و ویرانه‌های آن را نشان از گذشته‌ای شکوهمند دانسته (ع ص ۱۶۶)، احتمالاً مؤید آبادی آنجا در دوره ایلخانان است. همین گزارش کلاویخو، که در آن حصار زنجان ویران وصف شده، سخن اولناریوس^۲ (ج ۲، ص ۵۰۸) را تأیید می‌کند که، به‌رغم سکوت منابع ایرانی، از غارت و کشتار تیمور (حک:

همان حدود او را ترغیب کرد تا مذهب شیعه دوازده‌امامی را در ایران رسمی کند (شبانکاره‌ای، ج ۲، ص ۲۷۱). البته پیشینه آشنایی مردمان این ناحیه با تشیع (زیدی و اسماعیلی) به سده سوم می‌رسد. نخستین بار در ۲۵۱، فردی از علویان زیدی طبرستان بر آنجا تسلط یافت (طبری، ج ۹، ص ۳۴۶). افزون بر تسلط گهگاه اسماعیلیان الموت بر آنجا، تا چند سال پیش از حمله مغولان به غرب ایران و تصرف آنجا در حدود ۶۱۷، زنجان جزو قلمرو آنان بود. باوجوداین، حکمرانی اسماعیلیه بر زنجان پایدار نماند و ظاهراً در ۶۱۴، سلطان محمد خوارزمشاه آنجا را تصرف کرد (ع جوینی، ج ۳، ص ۲۴۷؛ ابن‌خلدون، ج ۳، ص ۶۵۹).

از تحولات دیگر زنجان در دوره اسلامی، ورود ایلهای ترک از حدود ۵۰۵ به آنجاست (ع ادامه مقاله)، که زمینه‌ساز تغییر تدریجی زبان اهالی آنجا شد که پیش از آن، به نوشته ابن‌خردادذهبه (ص ۵۷)، پهلوی بود. بااین‌همه زبان اهالی آنجا همچنان تا سده‌های بعد پهلوی بود. شمس قیس نیز در اوایل قرن هفتم، ضمن تأکید بر اشعار پهلوی فراوان اهالی زنجان، نمونه‌هایی از آنها را ذکر کرده است (ع ص ۷۸، ۱۳۱). نمونه‌ای از اشعار پهلوی زنجان در تاریخ‌گزیده اثر حمدالله مستوفی (ص ۷۲۱-۷۲۲) نیز آمده است. به گزارش حمدالله مستوفی، در زمان او، که از ۷۱۱ حاکم قزوین، ابهر، زنجان و طارمین بوده است (ع تاریخ‌گزیده، ص ۶۰۹)، اهالی زنجان همچنان به پهلوی سخن می‌گفتند (نزهة القلوب، ص ۶۲).

اگرچه احتمال دارد نخستین دسته از ترکان، به هنگام تسلط سلجوقیان بر زنجان، در حدود نیمه قرن پنجم به آنجا پای نهاده باشند، گزارشی مبنی بر استقرار ایلات ترک از آن زمان وجود ندارد. سلاطین سلجوقی حکومت زنجان را، از حدود نیمه قرن ششم، به دسته‌ای از ترکمانان سپردند که حکومت محلی آل‌قشود / قشودیان را در آنجا تشکیل دادند (ع حسینی، ص ۲۹۳، ۳۰۱). با این وصف، به نظر می‌رسد نخستین طایفه از ترکان، که در آنجا استقرار یافته‌اند، آل‌قشود باشد که ظاهراً تا اوایل قرن هفتم بر آنجا حاکم بودند و در حدود ۶۱۰، زنجان به تصرف اسماعیلیان الموت درآمد (ع جوینی، همانجا؛ شبانکاره‌ای، ج ۲، ص ۱۳۱).

در دوره ایلخانان، که به زندگی عشیره‌ای و غیرشهری گرایش داشتند، ولایت زنجان به سبب وجود چمنزارها و شکارگاههای مطلوب، ناحیه‌ای بیلافی محسوب می‌شد و ساخت شهر سلطانیه*، در آن ولایت و در پنج‌فرسخی شرق

1. Ruy Gonzalez de Clavijo

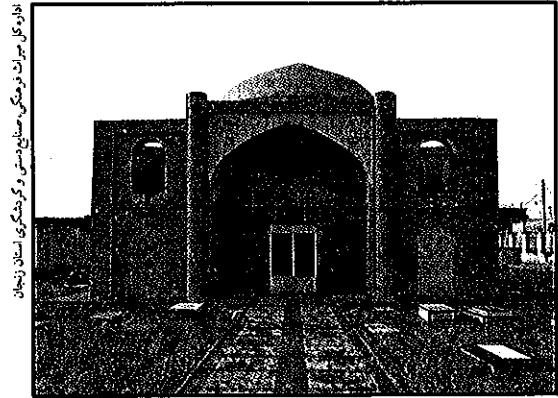
2. Adam Olearius

شهر احتمالاً در اواخر دوره صفوی بازسازی شده است (→ رستم‌الحکما، ج ۱، ص ۶۰، ۷۰، که از متحصرون شهر در دوره زندیه خبر داده است)؛ زیرا بعید به نظر می‌رسد دوره آشفته‌گی پس از سقوط صفویان و بی‌ثباتی دوره نادرشاه مجال این بازسازی را فراهم آورده باشد (→ ادامه مقاله).

اطلاع خاصی از وضع زنجان پس از سقوط صفویان تا پایان حکومت نادرشاه افشار (حک: ۱۱۴۸-۱۱۶۰) در دست نیست، اما چنین می‌نماید که در اواخر حکومت وی، عنوان سلطانی و زنجانرود منسوخ و این ولایت خمرسه نامیده شده است (→ نامی اصفهانی، ص ۱۰؛ خمرسه*). در اواخر ۱۱۶۰، پس از سقوط نادر، بین جانشین او، عادلشاه افشار، و رقیبش ابراهیم‌شاه در شهر سلطانیه نزاعی درگرفت (→ نامی اصفهانی، ۲۳۱، ۲۳۳؛ هدایت، ج ۹، ص ۸۳، ۱۳۶)، اما خیلی زود بار دیگر زنجان حاکم‌نشین شد، چنان‌که در دوره کریم‌خان زند (حک: ۱۱۶۴-۱۱۹۳) زنجان مقرّ والی بود.

هم‌زمان با نزاع خاندان افشار بر سر تاج و تخت ایران، الله‌یارخان (یکی از سرداران نادرشاه)، که پیشتر حاکم قندهار بود، به زنجان و نواحی پیرامون آن حمله کرد. اهالی زنجان، که نخست در برابر وی به مقاومت برخاسته بودند، بر اثر قحط و غلناچار به تسلیم شدند. الله‌یارخان، که سنی‌مذهب متعصبی بود، پس از ورود به شهر دستور قتل و غارت اهالی را صادر کرد که متعاقب آن، وبایی عظیم موجب مرگ بسیاری شد. در پی جنایات الله‌یارخان از یک و سواران وی در زنجان، بسیاری از اهالی زنجان به نواحی دیگر مهاجرت کردند. در این مدت، حتی مسجدجامع زنجان نیز ویران شد، چراکه سازنده‌اش، جهانشاه قراقوینلو، دعوی تشیع داشت (رستم‌الحکما، ج ۱، ص ۱۶-۱۷، ۲۳-۲۴، ۲۸-۲۹). با تصرف زنجان به‌دست سپاه کریم‌خان زند امنیت به شهر بازگشت. باوجوداین، تا آن زمان، به زعم رستم‌الحکما (ج ۱، ص ۲۸)، از شهر جز تلی خاکستر باقی نمانده بود.

پس از فتح زنجان به‌دست کریم‌خان، حکومت آنجا به ذوالفقارخان افشار* سپرده شد، که در زمان حکمرانی‌اش بسیاری از بناهای شهر را تعمیر کرد. به گزارش رستم‌الحکما (ج ۱، ص ۳۲-۳۳، ۵۰-۵۱)، ذوالفقارخان، به سبب بی‌دانشی اطرافیانش، برای تعمیر و سازماندهی شهر، گروهی از مردم گیلان را به خدمت گرفت؛ اما تمرّد خان افشار در برابر زندیان و نزاعهای متعدد آنان (→ نامی اصفهانی، ص ۱۶۸-۱۶۹، ۲۳۱) بار دیگر شهر و ولایت زنجان را به‌ویرانی کشاند. باوجوداین، با شکست وی و تسلط مجدد زندیه در حدود ۱۱۹۳، افزون بر



مقبره میرزاابوالقاسم مجتهد

(۸۰۷-۷۷۱) در زنجان سخن رانده است (نیز → شاردن^۱، ج ۲، ص ۳۷۴-۳۷۳؛ دلواله^۲، ص ۲۸۴-۲۸۵).

با احداث سلطانیه و متعاقب آن، تشکیل ولایت سلطانیه و زنجانرود (→ واله اصفهانی، ص ۴۱۰؛ وحید قزوینی، ص ۴۰۳؛ استرآبادی، ص ۲۹۱، ۷۳۳)، مقرّ حاکم منطقه از زنجان به شهر نوینباد سلطانیه انتقال یافت و حداقل تا اواسط دوره شاه‌صفی (حک: ۱۰۳۸-۱۰۵۲)، این شهر همچنان حاکم‌نشین منطقه باقی ماند (برای دوره تیموریان → کلاویخو، ص ۶۷، که به استقرار میرانشاه گورکانی (پسر تیمور گورکان) در سلطانیه در مقام نایب‌الحکومه تیمور بر غرب ایران اشاره کرده است؛ برای دوره صفویه → اولثاریوس، ج ۲، ص ۵۰۷).

آگاهی ما از زنجان، پس از مرگ تیمور و دوره حکومتهای قراقوینلو (حک: ۷۷۷-۸۷۳) و آوقوینلو (حک: ۸۰۰-۹۰۸) بر آن بخش از ایران، به ساخت مسجدجامعی در زنجان به دستور جهانشاه قراقوینلو (حک: ۸۳۹-۸۷۲) محدود می‌شود (→ رستم‌الحکما، ج ۱، ص ۲۸-۲۹).

بازسازی زنجان، در دوره صفویان، با ساخت کاروانسرای در کنار شهر، در دوره شاه‌هماسب اول (حک: ۹۳۰-۹۸۴)، شروع شد (→ همان، ج ۱، ص ۵۱) و در دوره شاه‌عباس اول (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸)، سرعت بیشتری یافت. البته حداقل تا اوایل حکومت سلطان سلیمان (حک: ۱۰۷۷ یا ۱۰۷۸-۱۱۰۵)، شهر همچنان فاقد حصار بود و ویرانه‌های آن صرفاً از گذشته آباد آنجا حکایت می‌کرد. جمعیت شهر نیز در ۱۰۸۵، بیش از هزار خانوار نبود (دلواله، ص ۲۸۵؛ شاردن، ج ۲، ص ۳۷۴)؛ اما جمعی کاری^۳، که در آغاز حکومت سلطان‌حسین (حک: ۱۱۰۵-۱۱۳۵) از زنجان گذر کرده، آنجا را شهری بزرگ با خانه‌های وسیع وصف کرده است (→ ص ۴۴). همچنین دیوار

1. Chardin

2. Pietro Della Valle

3. Giovanni Francesco Gemelli Careri

آن را به همراه داشت؛ چنانکه حاکم زنجان، عبدالله میرزا دارا* (پسر فتحعلی شاه)، فرصت یافت با ساخت مکانهای عام‌المنفعه (به اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳ ش، ص ۹۴؛ عین السلطنه، ج ۲، ص ۱۵۰۴) و تعمیر خرابه‌های زنجان، آنجا را به شهری آباد مبدل سازد. علاوه بر کوتسبو^۳، که هنگام عبور از زنجان در ۱۳۳۲، از زیبایی آن تمجید کرده (ص ۸۳)، سالتیکوف^۴ نیز در ۱۲۵۳ (ص ۵۹)، آنجا را شهری کوچک اما بسیار آباد وصف کرده است. با وجود اقدامات عمرانی عبدالله میرزا، در گزارشهایی به شکایت بردن اهالی زنجان از ظلم و اجحاف او نزد شاه و عباس میرزا نایب السلطنه اشاره شده است. بر اثر این شکایات، عبدالله میرزا عزل و پسر دیگر فتحعلی شاه، فتح‌الله میرزا شعاع السلطنه، در ۱۲۴۳، حکمران زنجان شد (به جهانگیر میرزا، ص ۱۰۵، ۱۳۹-۱۴۰).

از رشد و آبادی زنجان در دوره محمدشاه قاجار (حک: ۱۲۵۰-۱۲۶۴) به تدریج کاسته شد. به گزارش سرسی^۵، در ۱۲۵۵ (ص ۱۷۲)، بازار زنجان به‌رغم مناسبات تجاری با شهرهای رشت، همدان، تبریز و تهران، و نیز وجود کالاهای اروپایی چندان پررونق به‌نظر نمی‌رسید. این امر احتمالاً نتیجه تغییرات در اداره شهر بود، زیرا به تصریح سرسی، در آن سال حاکم خمسه فردی رانده شده از دربار و رئیس پادگان آنجا نوجوانی حدوداً سیزده‌ساله بود، که بی‌کفایتی‌شان، هرج و مرج شهر را در پی داشت. جمعیت زنجان در آن سال بین ۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰ تن تخمین زده شده است (به همان، ص ۱۷۱؛ ساوتگیت^۶، ج ۲، ص ۴۴). با وجود این، در دومین سال حکومت ناصرالدین شاه، زنجان شهری سرسبز با بازاری بزرگ و شلوغ وصف شده است (به تورنتون^۷، ص ۸۷).

در پی شورش بابیان در ۱۲۶۶ به رهبری محمدعلی زنجانی و سنگربندی آنان در شهر در برابر لشکر دولت مرکزی، آنجا به حالت نیمه‌ویزان درآمد. سکوت بیش از نیمی از اهالی زنجان در برابر شورشیان یا همراهی با آنان (به فوریه^۸، ص ۱۰۰؛ زنجان، جنگ*) موجب بدنامی زنجان نزد دولت‌مردان قاجار شد (در مورد زمینه و علل ظهور بابیه در زنجان به والبریدج^۹، ص ۳۴۰-۳۶۲)، از این‌رو تا سالهای بعد قسمت اعظم ویرانیهای شهر، از جمله دژ و حصار آن، تعمیر نشد (به عباس میرزا قاجار، ص ۱۲۰؛ فوریه، همانجا).

در منابع مختلف، پس از این واقعه، از خیل زنان و کودکان گدای شهر زنجان یاد شده که در هیچ جای دیگری از ایران سابقه نداشته است. این پدیده، که تا سالهای بعد همچنان ادامه داشت

تعمیر شهر، مدارس و مکتب‌خانه‌هایی نیز در آنجا ساخته شد (به هدایت، ج ۹، ص ۱۳۶؛ رستم‌الحکما، ج ۱، ص ۵۹، ۶۳-۶۱). در دوره تسلط زندیان بر زنجان، مدتی تعطیلی بازار و مغازه‌ها در اول وقت و حضور کسبه در مصلی^{۱۰} برای تمام کسبه شهر و زمانی کوتاه، تحصیل تمام کودکان در مکتب‌خانه‌ها اجباری شد (رستم‌الحکما، ج ۱، ص ۵۱، ۶۸).

سرفرود آوردن حاکم زندگی زنجان در برابر آقامحمدخان قاجار (حک: ۱۲۱۰-۱۲۱۱)، نه تنها شهر را از تاخت‌وتاز او محفوظ داشت، بلکه موجب مرمت بازار قدیم و ساخت گرمابه و بازار دیگری با نام قیصریه به دستور خان قاجار شد، که این بازار در دوره فتحعلی شاه (حک: ۱۲۱۲-۱۲۵۰) کامل گشت. باین‌حال سرکشیهایی ایل افشار و قتل و غارت‌هایشان، به دنبال قتل آقامحمدخان قاجار تا تثبیت سلطنت فتحعلی شاه، افزون بر ناامن شدن منطقه، خساراتی نیز برای زنجان در پی داشت (همان، ج ۱، ص ۸۵؛ کپل^۱، ج ۲، ص ۱۵۷-۱۵۸).

با وجود این، دوره قاجار تا آغاز حکومت ناصرالدین شاه (حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳)، با آبادانی و امنیت زنجان همراه بود. صرف‌نظر از واقع بودن زنجان بر سر راه تهران - تبریز (ولایتعهدنشین قاجار)، سفرهای مکرر و طولانی فتحعلی شاه به چمن سلطانیه، که اقامتگاه ییلاقی‌اش بود، به ولایت خمسه و مرکز (زنجان) اهمیت می‌بخشید (به ادیب‌الملک، ص ۵۸؛ نیز به سلطانیه^{۱۱}). علاوه بر این، اگرچه ترمذ سران ایل‌های مختلف ولایت زنجان، به‌ویژه ایل‌های بزرگ افشار و دُویران، در سراسر دوره قاجار، بی‌نظمی در ولایت و اجحاف به اهالی منطقه به‌ویژه روستائینان را در پی داشت (به عباس میرزا قاجار، ص ۱۲۱-۱۲۲؛ احتشام السلطنه، ص ۷۹، ۹۳، ۱۱۴؛ عین السلطنه، ج ۲، ص ۱۵۰۳؛ برای آگاهی از طوایف مختلف ترک و لک زنجان در دوره قاجار به شیل^۲، ص ۳۹۷-۳۹۸؛ کیهان، ج ۲، ص ۳۷۵-۳۷۶)، همین طوایف زمینه حضور نیروهای نظامی را در آنجا فراهم می‌آوردند که موجب اهمیت بیشتر زنجان در نزد حکومت مرکزی شده بود. این نیروها، که از دوره فتحعلی شاه، به فوج خمسه شهرت یافته بودند، در آغاز حکومت ناصرالدین شاه، شامل دو فوج پیاده (هر فوج، حدود ۱۰۰۰ سرباز) و ۱۵۰۰ سواره‌نظام بودند (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷-۱۳۶۸ ش، ج ۲، ص ۹۶۱، ۱۰۵۹). افزون بر این، عشایر منطقه نیز، به‌جای بخشی از مالیات، شمار معینی سواره‌نظام در اختیار دولت قرار می‌دادند (ادیب‌الملک، ص ۶۸).

امنیت و اهمیتی که زنجان در دوره فتحعلی شاه یافت آبادی

1. Keppel

2. Sheil

3. Kotzebue

4. Aleksei Dmitrievich Saltykov

5. Sercey

6. Southgate

7. Lynne Thornton

8. Feuvrier

9. Walbridge

دستی زنجان نیز رشد چشمگیری یافت و افزون بر محصولات کشاورزی و دامی، از صنایع دستی، همچون ظروف مسین، چاقو و مليله کاری، در میان صادرات مهم این شهر نام برده‌اند (برای نمونه ← پولاک، ج ۲، ص ۱۷۵؛ عبدالله مهندس، ص ۶۰؛ ریچاردز^۴، ص ۲۲۶).

میزان مالیات ولایت زنجان، معیار دیگری برای آگاهی از وضع اقتصادی آنجا در دوره قاجار است. مالیات نقدی این شهر، که در ۱۲۷۵ حدود ۵۰'۰۰۰ تومان و مالیات غیرنقدی آن ۲'۵۰۰ خروار غله بود (ادیب‌الملک، ص ۶۹)، در ۱۳۰۳، به حدود ۸۲'۰۰۰ تومان نقد و ۲'۵۴۰ خروار غله رسید (← اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳ ش، ص ۳۲۷). با آنکه در همان سال زمینهای خالصه، برای افزایش تولید کشور و مالیات، به فروش گذاشته شد (← نظام‌السلطنه مافی، ج ۱، ص ۱۱۸)، میزان مالیات نقدی در سال بعد تغییری نکرد و فقط بر میزان مالیات غیرنقدی آنجا افزوده شد (← کتابچه جمع و خرج، ص ۹). به نظر می‌رسد نتیجه اصلی فروش املاک خالصه، شکل‌گیری گروهی از زمینداران بزرگ شهری در آنجا بوده‌است که عمدتاً در شهر زنجان اقامت داشتند (← عین‌السلطنه، ج ۲، ص ۱۴۹۳، ۱۴۹۸).

رقابت همین زمینداران بزرگ را، در جریان وقایع دوران مشروطه در زنجان، نباید نادیده گرفت. دودستگی اهالی زنجان در جریان نهضت مشروطه و اعتراضات مخالفان مشروطه و پاره‌ای تقابلهای صریح آنان با طرفداران مشروطه، شهر و توابع آن را ناامن کرده بود که، هم مانع رونق زنجان شد و هم با ورود نیروهای دولت مرکزی در ۱۳۲۷ به شهر برای پیشگیری از وقوع جنگ شهری، خساراتی گسترده بر آنجا وارد آورد (← همان، ج ۴، ص ۲۷۸۵-۲۷۸۶، ۲۹۲۰، ۲۹۳۰-۲۹۳۲، ۲۹۸۱؛ برای اصطلاح بیشتر ← سلطانی، ص ۳۰۷-۳۴۲؛ زنجان^{*}، ملاقربانعلی). به‌هررو ولایت خمسه^{*}، به مرکزیت زنجان، در سراسر دوره قاجار مستقل باقی ماند و حاکم آن مستقیماً از سوی دربار انتخاب می‌شد.

در اوایل حکومت پهلوی اول (حک: ۱۳۰۴-۱۳۲۰ ش)، ولایت زنجان مشتمل بر بلوکهای حومه زنجان، زنجانرود، ابهررود، ایجرود، انگوران، طارمات و خدابنده‌لو بود (← کیهان، ج ۲، ص ۳۷۶)، تا اینکه براساس تقسیمات کشوری ۱۳۱۶ ش، شهرستان زنجان مشتمل بر ۴ بخش، ۲۰ دهستان و ۹۵۹ قریه، به مرکزیت شهر زنجان، تشکیل و از توابع استان یکم (گیلان) محسوب شد و نام خمسه نیز از همان زمان منسوخ گردید (← ایران. قانون تقسیمات کشوری آبان ۱۳۱۶، ضمیمه، ص ۱؛



بل سردار (بل قنوق)، سال ساخت ۱۳۳۳

← بروگش^۱، ج ۲، ص ۳۶۴، ۳۶۶؛ عبدالله مهندس، ص ۵۸؛ براون^۲، ص ۸۰)، به نظر می‌رسد پیامد شورش بایان باشد که بی‌سرپرستی بسیاری از اهالی شهر را موجب شده بود.

قحط و غلای ۱۲۸۸ و متعاقب آن بیماری وبا، موجب مرگ بسیاری در زنجان شد که بر ویرانی شهر افزود (سررشته‌دار، ص ۱۱۹؛ بست^۳، ص ۷۶). سرانجام به دستور ناصرالدین‌شاه و با همت محمودخان احتشام‌السلطنه، حاکم زنجان (۱۳۰۶-۱۳۰۹)، ابنیه شهر بازسازی شدند. خیابانها و ساختمانهای جدیدی نیز احداث شد که رونق صنایع محلی، از جمله چرم‌سازی و چاقوسازی، دستاورد آن بود (احتشام‌السلطنه، ص ۶۳-۶۴، ۹۵-۹۶؛ عین‌السلطنه، ج ۲، ص ۱۵۰۴). ظاهراً توسعه شهر در سالهای بعد نیز تداوم داشت، چه شمار کاروانسراهای شهر، که در ۱۲۷۵، تنها ۱۴ یا ۱۵ باب بود (ادیب‌الملک، ص ۶۶)، در ۱۳۱۷ به ۲۷ باب رسید و بازار و ابنیه شهر رونق یافت. در آن زمان، مهم‌ترین اقلام تجاری از میان صنایع دستی، ظروف مليله کاری، چاقو، ظروف مسی، فرش، گلیم و منسوجات ابریشمی بود. از محصولات کشاورزی و دامی آنجا نیز پنبه، حبوبات، سیب و روغن حیوانی شهرت داشت. جمعیت شهر تا ۱۳۱۷ به حدود ۲۵'۰۰۰ تن افزایش یافته بود (← عبدالله مهندس، ص ۵۸، ۶۰).

تحولات مکرر سیاسی - اجتماعی زنجان در طول چندین سده، در هر دوره، تغییراتی در اقتصاد و معیشت آنجا ایجاد کرده‌است.

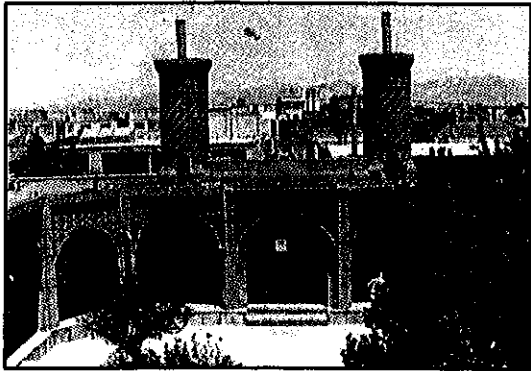
درحالی‌که در قرن هشتم، به گفته حمدالله مستوفی (نزهة القلوب، ص ۶۲)، محصولات مناطق مرتفع آنجا غله، در اطراف رودخانه زنجانرود برنجزار و جالیز، و این منطقه فاقد میوه بوده‌است، محصول اصلی زنجان در دوره صفویه، علاوه بر غلات، میوه و چوب گزارش شده‌است (← ساردن، ج ۲، ص ۳۷۴؛ جملی کارری، ص ۴۴). از دوره ناصرالدین‌شاه، با ورود ایران به بازارهای جهانی و رونق تجارت داخلی، صنایع

1. Brugsch

2. Browne

3. Bassett

4. Frederick Charles Richards



مسجد خانم/ بر بی، دوره قاجار

شهرستان زنجان اینها هستند: بقایای کاروانسرا یا رباط چهارایوانی سرچم (تاریخ بنا ۷۳۳ یا ۷۳۴) در هشتاد کیلومتری محور زنجان - میانه در کناره رودخانه زنجان رود، که از این بنا فقط در ورودی با دو برج آجری به جا مانده است (← ثبوتی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۸۰-۱۸۱)؛ کاروانسرای سنگی، از دوره حکومت شاه عباس دوم صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷)، با طرح چهارایوانی و سقفهای قوس دار، که امروزه بخش باقیمانده این کاروانسرا، به رستوران بدل شده است (همان، ص ۹۹)؛ پل آجری میریهاالدین (تاریخ بنا ۱۳۱۲)، بر روی رودخانه زنجان رود، در محور جنوبی حومه شهر زنجان به شهر بیجار، به طول ۱۰۶۶۰ متر، عرض ۶۷۰ متر و ارتفاع آن در بلندترین نقطه ۱۱ متر، با سه دهانه با طاقهای جناغی که دهانه مرکزی این پل از دو دهانه مشابه در دو سوی آن بزرگ تر است و در دو سوی دهانه مرکزی، دو غرفه یا طاق دوطبقه برای عبور آبهای سرریز و کاستن از فشار بر پایه تعبیه شده است (ملاحسینی، ۱۳۹۱ ش ج)؛ پل حاج سیدمحمد (تاریخ بنا ۱۳۱۰) در جنوب شرقی زنجان بر روی رودخانه زنجان رود، در مسیر زنجان به همدان، به طول ۱۹۵ متر و عرض ۵۶ متر با سه دهانه با طاقهای جناغی، که بین طاق بزرگ تر در مرکز و هریک از دهانه های دو سوی آن، یک دهانه کوچک تر، با طاق جناغی، به عرض ۲۳۰ متر ساخته شده است (همو، ۱۳۹۱ ش الف)؛ پل سردار یا پل قلتوق (تاریخ بنا ۱۳۳۳) بر روی رودخانه زنجان رود، که کمابیش مشابه پل حاج سیدمحمد است، ویژگی پل سردار تزیینات کاشی و آجری نمای شرقی در پیرامون دهانه های پل است (همو، ۱۳۹۱ ش ج)؛ بازار زنجان (تاریخ بنا حدود ۱۲۰۵ تا ۱۲۱۳)، که در ۱۳۲۴ سراها، گرمابه ها و مساجدی به آن افزوده شد، از بزرگ ترین بازارهای سرپوشیده ایران است که از طریق ۵۶ ورودی و کوچه به سراسر شهر زنجان راه داشت (ثبوتی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۰۱-۱۰۴؛ نیز ← بهرامزاده و میرفتاح،

ایران. وزارت کشور. اداره کل آمار و ثبت احوال، ج ۱، ص ۹۷). در ۱۳۲۰ ش، شهر زنجان حدود ۳۹۴۵۰ تن جمعیت داشت (← ایران. وزارت کشور. اداره کل آمار و ثبت احوال، همانجا). در آن دوره، علاوه بر رواج صنایع دستی، صنایع بزرگ نیز در زنجان تأسیس شد، از جمله کارخانه کبریت سازی سعادت در ۱۳۱۲ ش، که ظاهراً نخستین واحد صنعتی در زنجان بود و در اواخر دهه ۱۳۳۰ ش حدود سیصد کارگر و کارمند داشت. محصولات صادراتی کشاورزی شهرستان، افزون بر غله، برنج و توتون از نواحی شمالی شهرستان و نیز میوه از دیگر نواحی آن بود. مراتع گسترده و مطلوب شهرستان نیز زمینه پرورش گله های بزرگ گوسفند را فراهم آورده بود (← همانجا؛ رزم آرا، ج ۲، ص ۱۴۱).

امروزه شهرستان زنجان مشتمل است بر بخشهای مرکزی، زنجانرود و قره پشتلو، و دهستانهای بوغداکندی، ثناب، تهم، زنجانرود بالا، قلتوق، معجزات، چایپاره بالا، چایپاره پایین، زنجانرود پایین، غنی بیگلو، قره پشتلو پایین، قره پشتلو بالا، شهرین (← ایران. وزارت کشور. معاونت سیاسی، ۱۳۹۳ ش، ذیل «استان زنجان»)، و شهرهای زنجان، ارمغانخانه (تاریخ تأسیس ۱۳۸۷ ش) و نیکپی (تاریخ تأسیس ۱۳۹۰ ش)؛ ← همو، ۱۳۹۰ ش، ذیل «استان زنجان»؛ پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور، ۱۳۹۴ ش). بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس مسکن در ۱۳۹۰ ش، جمعیت این شهرستان ۴۸۶۴۹۵ تن بود که ۳۸۸۷۹۶ تن از آنها شهرنشین بوده اند (← مرکز آمار ایران، ص ۷۷). بر اساس همین سرشماری، جمعیت شهر زنجان ۳۸۶۸۵۱ تن ثبت شده است (← همان، ص ۱۱۵).

شهرستان زنجان، به لحاظ داشتن آثار تاریخی و کهن، در قیاس با دیگر شهرستانهای این استان، اهمیت بیشتری دارد؛ در میان این آثار، شمار محوطه ها و تپه های باستانی از سایر آثار تاریخی بیشتر است. برخی از این تپه های باستانی عبارت اند از: تپه - قلعه قره تپه (از دوران پیش از تاریخ) در روستای نقطه بندی، در هشت کیلومتری شرق شهر زنجان؛ اوراچی (متعلق به هزاره پنجم پیش از میلاد) در جنوب غربی روستای باغ، در دهستان قره پشتلو بالا؛ قوچی کندی از هزاره دوم پیش از میلاد در پنج کیلومتری جنوب روستای چایرلو، در فاصله ۴۵ کیلومتری غرب شهر زنجان؛ شاه مراد تپه (متعلق به دوره اشکانیان - ساسانیان) در روستای قره تپه از توابع دهستان قره پشتلو بالا؛ قزل آرخ (از دوره ساسانیان) در شش کیلومتری روستای تهم، در حدود هفت کیلومتری شمال شهر زنجان. افزون بر اینها، تپه های بسیاری از دوره اسلامی تا دوره ایلخانیان در شهرستان زنجان شناسایی و فهرست شده است (← پاروکی طرودی و شادمهر، ص ۱۹۸-۲۰۷). از دیگر بناهای معروف

ص ۴۷۸-۴۷۹؛ فریدی مجید، ج ۴، ص ۵۴). استان زنجان، با مساحتی بالغ بر ۲۲۰۰۰۰ کیلومترمربع، شهرستانهای زنجان، ابهر*، ایجرود*، خدابنده*، خرمدره*، سلطانیه*، طارم* و ماهنشان* و ۲۱ شهر را دربرمیگیرد (← ایران. وزارت کشور. معاونت سیاسی، ۱۳۹۳ ش، همانجا؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان، ص ۳).

جمعیت استان زنجان طبق سرشماری ۱۳۹۰ ش، ۱'۰۱۵'۷۳۴ تن گزارش شده است که ۶۳۴'۸۰۹ تن از آنها شهرنشین بوده‌اند (← مرکز آمار ایران، ص ۷۷). ایلهها و طوایف متعددی در این استان زندگی می‌کنند، از جمله شاهسون*، اصائلو*، مقدم، بیات* و خدابنده‌لو، که از دوره صفویان در این منطقه اسکان داده شدند، از این رو آنجا را خمسه می‌نامیده‌اند (ثبوتی، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۶-۲۷). مذهب اهالی استان زنجان شیعه دوازده امامی است و مردم آنجا بیشتر به فارسی و ترکی با گویشهای محلی سخن می‌گویند (← فرهنگ جغرافیایی آبادیها، ج ۲۵، ص ۱۴، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۳۴، ۱۴۸، ۱۷۳).

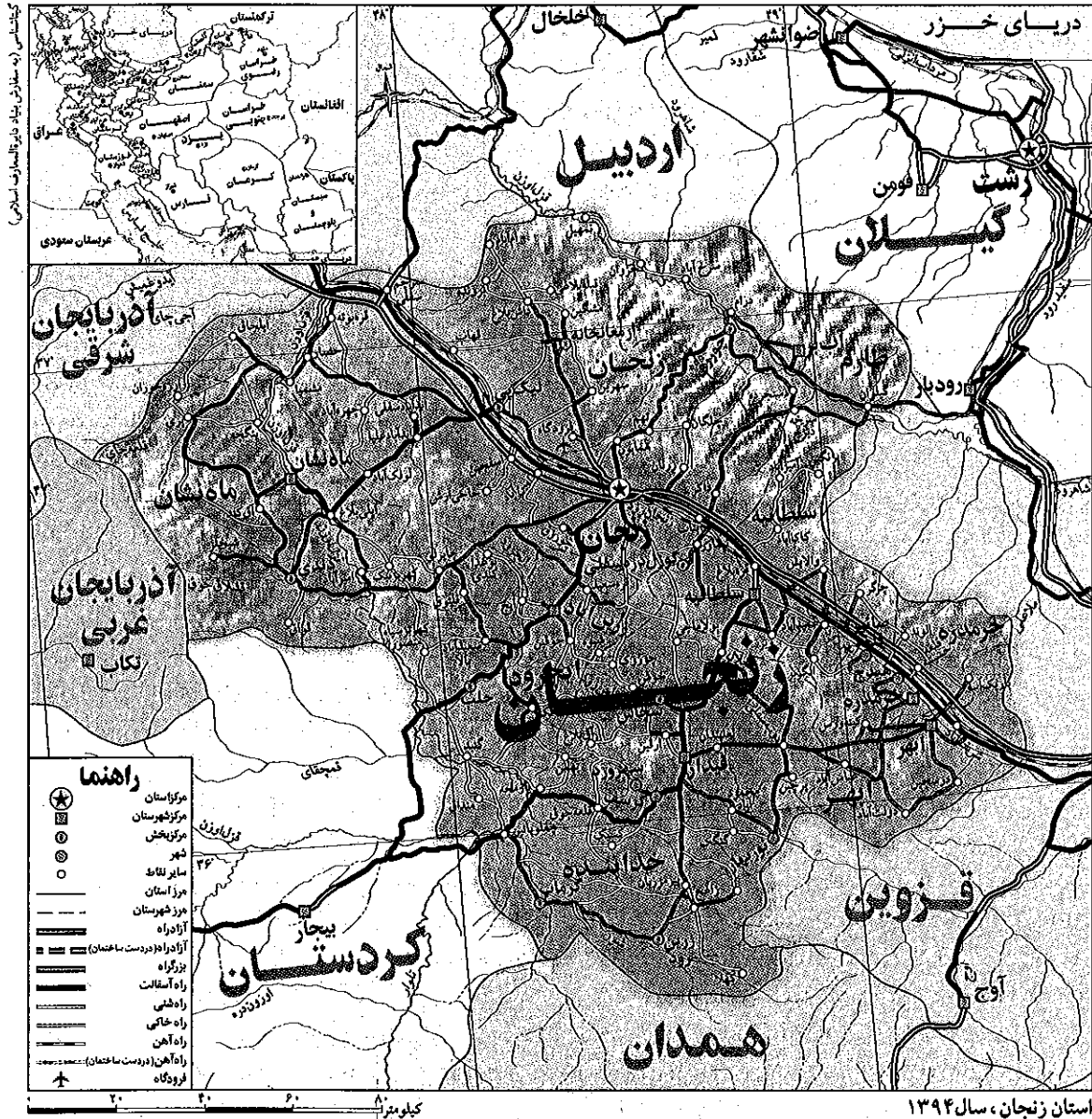
میانگین ارتفاع این استان بیش از ۱۵۰۰ متر از سطح دریاست. پست‌ترین نقطه داخل استان (با ارتفاع ۳۰۰ متر) در شهرستان طارم واقع است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان، همانجا). چهار رشته کوه از جهات مختلف استان زنجان را احاطه کرده است: رشته کوه شمالی این استان، که ادامه رشته کوه البرز است؛ کوهستان دمیرلی، در جنوب غربی استان؛ کوهستان چرگروملاداغی، در غرب دشت قزوین، که این استان را از قزوین جدا می‌کند؛ و ارتفاعات رامند، در جنوب دشت قزوین (← فرهنگ جغرافیایی کوههای کشور، ج ۱، ص ۴۳۱-۴۳۲). از مهم‌ترین ارتفاعات این استان دولاما (بیشترین ارتفاع ۳۳۳۰ متر)، صندوق سنلیران (بیشترین ارتفاع ۳۲۹۸ متر)، بلقیس (بیشترین ارتفاع ۳۲۵۴ متر)، زرنیخ (بیشترین ارتفاع ۳۰۹۰ متر) و باباگیلدر (بیشترین ارتفاع ۳۰۳۵ متر) هستند (← همان، ج ۱، ص ۴۴۰-۴۴۱، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۶۴-۴۶۵).

استان زنجان، که از دو منطقه کوهستانی و جلگه‌ای تشکیل شده، تحت تأثیر این موقعیت و نیز تأثیر هوای مرطوب غربی و شمالی، دارای دو نوع آب و هواست؛ آب و هوای کوهستانی در نواحی قیدار زنجان و ابهر با زمستانهای سرد و پربرف و تابستانهای معتدل، آب و هوای گرم و نیمه مرطوب در شهرستان طارم با تابستانهای گرم و زمستانهای معتدل با درجه رطوبت و میزان بارش زیاد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان، ص ۳-۴؛ زنده دل، ص ۲۱-۲۲). میانگین بیشترین دمای مرکز استان ۳۸٫۶ درجه، کمترین آن ۲۶٫۰-، و میانگین بارش سالانه استان ۲۶۰ میلیمتر است (← سازمان هواشناسی کشور، ص ۲۴۷). در استان زنجان رودهای متعددی جریان دارند؛ زنجانرود/

ص ۱۰۳-۱۱۸)؛ مسجد - مدرسه سید، که به فرمان عبدالله میرزا پیش از ۱۲۲۳ ساخته شده، دارای گنبدی بزرگ و دوجداره که با کاشیهای فیروزه‌ای پوشیده شده است (ثبوتی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۰۷)؛ مسجد خانم یا بی‌بی، که در ۱۳۳۲ به سفارش جمیله خانم، دختر حسین قلی خان ذوالفقاری، ساخته شد، نظرگیرترین بخش این ساختمان، تزیینات سردر مسجد با نقوش هندسی و گل و بوته و نیز تزیینات کاشی دو مناره قطور، در دو سوی این سردر است؛ عمارت ذوالفقاری، در مرکز بافت قدیم شهر که بنا بر روایاتی، آن را سردار اسعدالدوله در اواخر حکومت قاجار بنا کرده، امروزه فقط بخش بیرونی عمارت، که کاربری اداری پیدا کرده، باقی مانده است، پوشش شیروانی بخش بیرونی (از نخستین نمونه‌های بناهای شیروانی) همراه با نورگیر هشت ضلعی با نام کلاه‌فرنگی از ویژگیهای این عمارت است، نمای جنوبی بنا یکپارچه با انواع آجرچینی (تراش شده، نقش دار و مهری) تزیین یافته است (همان، ص ۱۱۹-۱۲۲)؛ بقعه امامزاده سیدابراهیم، که نسبت دقیق او دانسته نیست (← همو، ۱۳۷۷ ش، ص ۸۴-۸۶)؛ مقبره میرزا ابوالقاسم مجتهد، که مدفن پدرش محمدکاسم (از علمای مشهور و منتقد زنجان در اواخر دوره قاجار) نیز هست، ایوان ورودی و اتاقهای جانبی و نیز شبستان گنبددار، دو قسمت اصلی این مقبره را تشکیل می‌دهند (همان، ص ۳۱-۳۲)؛ و مقبره سیدمحمد مجتهد (متوفی ۱۲۶۹)، که طرحی هشت ضلعی دارد و در هر ضلعش ایوانی و در مرکز شبستان، گنبدی دوجداره بر فراز مقبره قرار دارد (همان، ص ۷۷-۸۰).

صرف نظر از حضور فقیهان و محدثان پر شمار در زنجان از همان سده‌های نخست اسلامی (← سمعی، ج ۳، ص ۱۶۸؛ یاقوت حموی، همانجا) و نیز ادیبانی چون عبدالوهاب بن ابراهیم زنجانی* (عالم صرف و نحو در سده هفتم)، این شهر، به ویژه از دوره قاجار، خاستگاه بسیاری از عالمان و مشاهیر شیعی بوده است، از جمله: ملا قربانعلی زنجانی*، میرزا ابوطالب زنجانی*، ابوالمکارم زنجانی*، میرزا ابوالقاسم زنجانی*، ابراهیم زنجانی*، ابو عبدالله زنجانی*، فضل الله زنجانی*، عبدالکریم بن محمدرضا زنجانی*، سید احمد زنجانی*، محمدباقر زنجانی*، احمد نجفی زنجانی*، سیدرضا زنجانی*، سید ابوالفضل زنجانی*، عزالدین زنجانی*، رضا روزبه*.

استان. شهرستان زنجان، که بر اساس قانون تقسیمات کشوری ۱۳۱۶ ش، جزو استان یکم بود، در ۱۳۴۸ ش با تشکیل فرمانداری کل زنجان (به مرکز شهر زنجان) و انضمام دو شهرستان خدابنده و ابهر از استان یکم مستقل شد (فریدی مجید، ج ۴، ص ۵۲). فرمانداری کل، در ۱۳۵۲ ش، به استانداری ارتقا یافت و از ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۳ ش، شهرستان قزوین نیز به این استان پیوسته بود (← ایران. قوانین و احکام،



به شمار می‌آیند. از مهم‌ترین محصولات کشاورزی استان زنجان، گندم، جو، برنج، چغندر قند، لوبیا و سیب‌زمینی و از مهم‌ترین محصولاتی باغی آن سیب، زردآلو، زیتون، انار، انگور و گردو است. همچنین این استان به سبب دارا بودن حدود ۱۲۰۰'۰۰۰ هکتار مرتع از نظر پرورش دام اهمیت دارد (به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان، ص ۱۸۹، ۱۹۶، ۲۱۰، ۲۱۷).

استان زنجان از نظر تنوع گیاهی و جانوری نیز دارای اهمیت است. منطقه سرخ‌آباد (به مساحت ۱۱۹'۲۲۵ هکتار) در شمال استان زنجان از ۱۳۷۵ ش منطقه محافظت شده اعلام شده است.

زنجان‌چای (به طول ۱۲۲ کیلومتر) از آبخیزهای دهستان سلطانیه در سه کیلومتری شمال شهر سلطانیه سرچشمه می‌گیرد و با مسیر کلی شمال‌غربی، بخش وسیعی از آبادیهای شهرستان زنجان را مشروب می‌کند و بابعور از جنوب شهر زنجان در روستای زجین به قزل‌اوزن* می‌ریزد. دیگر رودهای این استان، نظیر ابهررود، خررود و سچاس‌رود، در فصول بی‌باران، میزان آبدهی‌شان بسیار اندک است و گاه کاملاً خشک‌اند (به جعفری، ص ۲، ۱۰۲، ۲۰۵، ۲۵۲، ۲۶۴، ۳۰۷، ۴۹۵). باوجوداین، رودها یکی از منابع مهم آبی در کشاورزی و باغداری استان

آدام اولتاریوس، سفرنامه، ترجمه حسین کردبچه، تهران ۱۳۷۹ ش؛ ایران. قانون تقسیمات کشوری آبان ۱۳۱۶، قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخشداران، مصوب ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۶، چاپ اول، تهران [بی‌نام]؛ ایران. قوانین واحکام، مجموعه قوانین سال ۱۳۷۳، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۴ ش؛ ایران. وزارت کشور، اداره کل آمار و ثبت احوال، کتاب اسامی دهات کشور، ج ۱، تهران ۱۳۲۹ ش؛ ایران. وزارت کشور، معاونت سیاسی، دفتر تقسیمات کشوری، نشریه اسامی عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری، تهران ۱۳۹۳ ش؛ همو، نشریه تاریخ تأسیس شهرهای کشور، تهران ۱۳۹۰ ش؛ پلاذری (بیروت)؛ داوود بن محمد بناکتی، تاریخ بناکتی = روضه اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب، چاپ جعفر شعار، تهران ۱۳۴۸ ش؛ محمد بهرام زاده و علی اصغر میرفتح، جایگاه شهری و معماری بازار تاریخی ایران، مجله پیام باستان‌شناسی، سال ۴، ش ۷ (بهار و تابستان ۱۳۸۶)؛ علی بن زید بیهقی، تاریخ بیهقی، چاپ احمد بهمنیار، [تهران ۱۳۶۱ ش]؛ ناصر پازوکی طرودی و عبدالکریم شادمهر، آثار ثبت شده ایران در فهرست آثار ملی: از ۱۳۱۰/۶/۲۴ تا ۱۳۸۴/۶/۲۴، تهران ۱۳۸۴ ش؛ پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور، ۱۳۹۴ ش.

Retrieved Jan. 24, 2016, from <http://www.portal2.moi.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=8f931308-c67e-4cf4-a5e7-3c1bb1a6f32>;

لین تودتون، تصاویری از ایران: سفر کلنل ف. گلمباری به دربار شاه ایران، ۱۲۴۹ تا ۱۲۶۵ هجری قمری، ترجمه مینا نوانی، تهران ۱۳۷۴ ش؛ هوشنگ ثبوتی، بناهای آرامگاهی استان زنجان، زنجان ۱۳۷۷ ش؛ همو، تاریخ زنجان، زنجان ۱۳۶۶ ش؛ عبدالملکین محمد ثعالی، تاریخ غررالسیر، المعروف بکتاب غرراخبار ملوک الفرس و سیرهم، چاپ زوتنبرگ، پاریس ۱۹۰۰، چاپ اگست تهران ۱۹۶۳؛ جعفری؛ جوانی فرانچسکو جملی کاروری، سفرنامه کاروری، ترجمه عباس نسخجوانی و عبدالعلی کارنگ، [تبریز] ۱۳۴۸ ش؛ جویی؛ جهانگیر میرزا، تاریخ نو: شامل حوادث دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری، چاپ عباس اقبال آشتیانی، تهران ۱۳۸۴ ش؛ عبدالله بن لطف‌الله حافظ‌ابرو، زبدة التواریخ، چاپ کمال حاج سیدجوادی، تهران ۱۳۸۰ ش؛ حسن حسینی، گذری بر تاریخ زنجان، زنجان ۱۳۸۸ ش؛ علی بن ناصر حسینی، زیادة التواریخ: اخبار الامراء و الملوك السلجوقیة، چاپ محمد نورالدین، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده؛ همو، نزهة القلوب؛ خواندمیر؛ علی اصغر درویش صفت، اطلس مناطق حفاظت شده ایران، طرح: معاونت محیط زیست و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست، تهران ۱۳۸۵ ش؛ پیتر و دلاواله، سفرنامه پیتر و دلاواله: قسمت مربوط به ایران، ترجمه و شرح و حواشی از شعاع‌الدین شفا، تهران ۱۳۷۰ ش؛ دهخدا؛ محمد بن علی راوندی، راحة الصدور و آية السرور در تاریخ آل سلجوق، به سعی و تصحیح محمد اقبال، بانضمام حواشی و فهارس با تصحیحات لازم مجتبی مینوی، تهران ۱۳۶۴ ش؛ رزم‌آرا؛ محمد هاشم رستم‌الحکما، تاریخ دارالعرفان خمسة: قدیمی‌ترین متن تاریخی زنجان، ج ۱، چاپ حسن حسینی، زنجان ۱۳۸۷ ش؛ فردریک چارلز ریچاردز، سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، تهران ۱۳۴۳ ش؛ حسن زنده‌دل،

نیمه شرقی این منطقه، کوهستانی و نیمه غربی آن، تپه ماهوری و دشتی است. دشت سهرین در این منطقه یکی از زیستگاههای آهو در کشور است. منطقه انگوران (به مساحت ۹۱۲۸۰ هکتار) در شمال غربی استان زنجان نیز از ۱۳۴۹ ش تحت محافظت قرار گرفته است. همچنین بخش جنوب شرقی این منطقه در ۱۳۵۴ ش به پناهگاه حیات وحش بدل شده است (← درویش صفت، ص ۹، ۵۹، ۱۰۱، ۱۰۷).

غارهای طبیعی نیز از جاذبه‌های گردشگری استان زنجان است؛ از جمله گلجیک، در ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر زنجان؛ غار آهکی کتله خور، از زیباترین غارهای طبیعی ایران، در ۱۴۰ کیلومتری جنوب شهر زنجان؛ خرمنه سر، در شهرستان طارم؛ و مجموعه غارهای داش‌کسن، در ۱۰ کیلومتری جنوب شرقی سلطانیه. براساس یافته‌های باستان‌شناسی، این غارها مأمن انسانهای اولیه در دوران پیش از تاریخ بوده و در دوره‌های تاریخی نیز از آنها استفاده می‌شده است (زنده‌دل، ص ۶۵-۶۰). استان زنجان در زمینه صنعت و معدن نیز جایگاه مناسبی دارد، چه به سبب همجواری با استانهای تهران و گیلان، که با محدودیتهای قانونی و جغرافیایی در توسعه و گسترش واحدهای صنعتی مواجه‌اند، و نیز دارا بودن معادن بسیار، در زمینه صنعتی رشد کرده است (همان، ص ۳۲). بیش از ۱۰۵ معدن فعال در این استان قرار دارد، که از مهم‌ترین آنها معدن شن و ماسه، سنگهای تزئینی، سنگ آهن و کائولن خاک نسوز است. از مهم‌ترین صنایع این استان نیز صنایع غذایی و آشامیدنی، تولید مواد و محصولات شیمیایی، لاستیک، پلاستیک، فلزات اساسی و منسوجات است (← سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان، ص ۲۳۳، ۲۷۰). صنایع دستی نیز در استان زنجان جایگاه مناسبی دارد و اگرچه برخی از صنایع آن نظیر چاقوسازی تاحدی رو به زوال نهاده است، دیگر صنایع دستی همچون چاروق‌دوزی، ملیله‌دوزی، و فرش بافی همچنان فعال‌اند (← الهی، ص ۴۲، ۵۳؛ زنده‌دل، ص ۱۰۲-۱۰۵).

منابع: ابن اثیر؛ ابن خرداذبه؛ ابن خلدون؛ ابن رسته؛ محمود احتشام السلطنه، خطرات احتشام السلطنه، چاپ محمد مهدی موسوی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ عبدالله علی ادیب‌الملک، دافع الغرور، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۴۹ ش؛ محمد مهدی بن محمد نصیر استرآبادی، ذرّه نادره: تاریخ عصر نادرشاه، چاپ جعفر شهیدی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ اسکندرمنش؛ اصطخری؛ محمد حسن بن علی اهتمام السلطنه، المآثر و الآثار، در چهل سال تاریخ ایران، چاپ ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳ ش؛ همو، مرآة البلدان، چاپ عبدالحمین نوانی و میرهاشم محدث، تهران ۱۳۶۷-۱۳۶۸ ش؛ غلامحسین افضل‌الملک، افضل التواریخ، چاپ منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران ۱۳۶۱ ش؛ امیر الهی، بررسی پیشینه چاقوسازی و ملیله‌کاری در استان زنجان و پیشنهاد راهکارهای مناسب جهت عرضه بهتر کالا، زنجان ۱۳۸۵ ش؛

همو، «آشنایی با پل میربهاءالدین، زنجان»، همشهری آنلاین، ۲۱ آبان ۱۳۹۱.

Retrieved May 14, 2016, from <http://hamshahrionline.ir/details/190956>;

محمدصادق نامی اصفهانی، تاریخ گیتی‌گشا، با مقدمه سعید نفیسی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ حسین قلی نظام‌السلطنه مافی، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی، چاپ معصومه مافی و دیگران، تهران ۱۳۶۳ ش؛ محمدیوسف واله اصفهانی، خلدبرین: حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم (ایران در زمان شاه‌صفی و شاه‌عباس دوم)، چاپ محمدرضا نصیری، تهران ۱۳۸۲ ش؛ محمدطاهرین حسین وحیدقزوینی، تاریخ جهان‌آرای عباسی، چاپ سعید میرمحمدصادق، تهران ۱۳۸۳ ش؛ رضاقلی‌بن محمدهادی هدایت، ملحقات تاریخ روضه‌الصفای ناصری، در میخواند، ج ۸، ۱۰۸؛ باقوت حنّوی؛

James Bassett, *Persia: the land of the Imams, a narrative of travel and residence, 1871-1885*, New York 1886; Edward Granville Browne, *A year amongst the Persians*, London 1950; Heinrich Brugsch, *Reise der K. preussischen Gesandtschaft nach Persien 1860 und 1861*, Leipzig 1862-1863; Jean Chardin, *Voyages du Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient*, ed. L. Langlès, Paris 1811; Jean Baptiste Feuvrier, *Trois ans à la cour de Perse*, Paris: F. Juven, [n.d.]; George Keppel, *Personal narrative of a journey from India to England, by Bussorah, Bagdad, the ruins of Babylon, Curdistan, the court of Persia, the western shore of the Caspian Sea, Astrakhan, Nishney Novogorod, Moscow, and St. Petersburg, in the year 1824*, vol.2, London 1827; Moritz von Kotzebue, *Reise nach Persien mit der russisch-kaiserlichen Gesandtschaft im Jahre 1817*, Wien 1825; Jakob Eduard Polak, *Persien: des Land und seine Bewohner*, Leipzig 1865; Comte de Sercey, *Une ambassade extraordinaire la Perse en 1839-1840*, Paris 1928; Mary Leonora Shell (Woulfe), *Glimpses of life and manners in Persia*, London 1856; Horatio Southgate, *Narrative of a tour through Armenia, Kurdistan, Persia and Mesopotamia*, vol.2, London 1840; John Walbridge, "The Babi Uprising in Zanzan: causes and issues", *Iranian studies*, vol. 29, no. 3-4 (summer - autumn 1996).

/ مرتضی دانشیار /

زنجان، جنگ، از وقایع مهم در منازعات میان بابیان و حکومت مرکزی، در ۱۲۶۶ در زنجان. پس از آنکه سیدعلی محمد باب* در رمضان ۱۲۶۰ ادعا کرد باب امام زمان

استان زنجان، تهران ۱۳۷۷ ش؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان، سالنامه آماری استان زنجان سال ۱۳۸۴، زنجان ۱۳۸۵ ش؛ سازمان هواشناسی کشور، سالنامه آماری هواشناسی: ۱۳۷۵-۷۶، تهران ۱۳۷۸ ش؛ آکسی دمتری یویچ ساتیکوف، مسافرت به ایران، ترجمه محسن صبا، تهران ۱۳۶۵ ش؛ علی سررشته‌دار، سفرنامه راه تبریز به طهران، در فرهنگ ایران زمین، ج ۲۳ (۱۳۵۷ ش)؛ رامین سلطانی، جستارهایی در تاریخ زنجان، زنجان ۱۳۸۹ ش؛ سماعی؛ محمدپادشاه‌بن غلام محیی‌الدین شاد، آندراج: فرهنگ جامع فارسی، چاپ محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ محمدبن علی شیانکاره‌ای، مجمع الانساب، چاپ میرهاشم محدث، تهران ۱۳۶۳-۱۳۸۱ ش؛ محمدبن قیس شمس قیس، کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح محمدبن عبدالوهاب قزوینی، چاپ مدرس رضوی، تهران [۱۳۱۲ ش]؛ زین‌العابدین بن اسکندر شیروانی، بستان‌السیاحه، یا، سیاحت‌نامه، چاپ سنگی تهران ۱۳۱۵، چاپ افست [بی‌تا]؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ عباس‌میرزا قاجار (ملک‌آرا)، شرح حال عباس‌میرزا ملک‌آرا: برادر ناصرالدین شاه، چاپ عبدالحسین نوانی، تهران ۱۳۶۱ ش؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، چاپ عبدالحسین نوانی، تهران ۱۳۷۲-۱۳۸۳ ش؛ عبدالله مهندس، سفرنامه مهندس عبدالله، چاپ سیروس آریز پور، تهران ۱۳۸۹ ش؛ قهرمان‌میرزا عین‌السلطنه، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، چاپ مسعود سالور و ایرج فشار، تهران ۱۳۷۴-۱۳۸۰ ش؛ فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج ۲۵: زنجان، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۶۹ ش؛ فرهنگ جغرافیایی کوههای کشور، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹ ش؛ فاطمه فریدی مجید، سرگذشت تقسیمات کشوری ایران، تهران ۱۳۸۸ ش.؛ قدامین جعفر، الخراج و صناعة الکتابه، چاپ محمدحسین زبیدی، بغداد ۱۹۸۱؛ نجم‌الدین ابوالرجاء قمی، تاریخ الوزراء، چاپ محمدتقی دانش‌پژوه، تهران ۱۳۶۳ ش؛ کتابچه جمع و خراج کل هذه السنة ایت‌تیل ممالک محروسه، مطابق سنه ۱۳۰۴ هجری، به کوشش بهمن بیانی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱ ش؛ روی گونثالت د کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران ۱۳۸۲ ش؛ کیهان؛ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، چاپ عبدالحی حبیبی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ یوسف محسن‌اردبیلی، زنجان از دیرین‌ترین روزگاران تا پایان هزاره اول هجری قمری، زنجان ۱۳۸۷ ش؛ مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، کل کشور، تهران ۱۳۹۱ ش؛ مسکویه؛ معین‌الدین نطنزی، منتخب‌التواریخ معینی، چاپ پروین استخری، تهران ۱۳۸۳ ش؛ مقدسی؛ محمد ملاحسینی، «آشنایی با پل حاج سیدمحمد، زنجان»، همشهری آنلاین، ۲۱ آبان ۱۳۹۱ الف

Retrieved May 14, 2016, from <http://hamshahrionline.ir/details/190957>;

همو، «آشنایی با پل سردار، زنجان»، همشهری آنلاین، ۲۱ آبان ۱۳۹۱.

Retrieved May 14, 2016, from <http://hamshahrionline.ir/details/190959>;